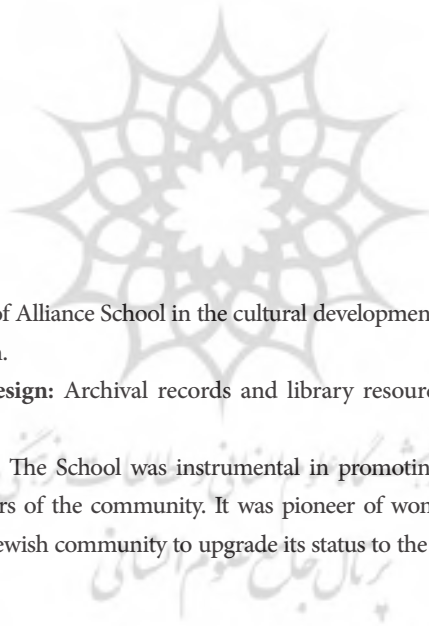




The Alliance School and the Jewish community of Kermanshah

Mohammad Alavikia¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly



Abstract:

Purpose: Reports the role of Alliance School in the cultural development of the Jewish community in Kermanshah.

Method and Research Design: Archival records and library resources were consulted to collect data.

Findings and Conclusion: The School was instrumental in promoting literacy and culture among the members of the community. It was pioneer of women education in the city and helped the Jewish community to upgrade its status to the middle class.

Keywords:

Kermanshah; Jews; Alliance School; Modernization.

1. MA, History of Islamic Iran, Shahid Beheshti University, Tehran, I. R. Iran
Alialavikia1@gmail.com
Copyright © 2019, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«114»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2019.2362

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 2, Summer 2019 | pp: 72 -90 (19) | Received: 11, Sep. 2016 | Accepted: 27, Jan.

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مدرسه آلیانس کرمانشاه و نقش آن در پیشرفت فرهنگی جامعه کلیمیان (۱۲۸۱-۱۳۰۵ ش)

محمدعلوی کیا



چکیده:

هدف: گزارش نقش مدرسه آلیانس کرمانشاه در پیشرفت فرهنگی جامعه کلیمیان این شهر. **روش/ رویکرد پژوهش:** این مقاله با تکیه بر اسناد و مدارک آرشئولوژی و منابع اصلی نوشته شده است. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** مهم‌ترین کارکرد مدرسه آلیانس کرمانشاه، ارتقای سطح دانش و فرهنگ عمومی کلیمیان شهر بود. انجمن آلیانس کرمانشاه از پیشگامان جنبش آموزش زنان در کرمانشاه بود. این انجمن امکان جابه‌جایی طبقاتی جامعه یهودی را از فرودستان شهری به طبقه متوسط فراهم کرد.

کلیدواژه‌ها:

کرمانشاه؛ یهودیان؛ مدرسه آلیانس؛ نوسازی.

کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی،
دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
Alialavikia1@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۱۴»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۱۹.۲۳۶۲

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۲، تابستان ۱۳۹۸ | صص: ۷۲ - ۹۰ (۱۹)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۷

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

در اواخر قرن نوزدهم میلادی / سیزدهم قمری انجمن فرهنگی بین‌المللی یهود به نام اتحادیه جهانی اسرائیلی (Alliance Israelite Universelle) تکاپو های خود را برای تشکیل مدارس به سبک نوین در ایران آغاز نمود. این تشکیلات در آوریل ۱۸۹۸م مقارن با ایام سلطنت مظفرالدین شاه موفق شد تا اولین مدرسه آلیانس را در تهران افتتاح کند. پس از آن، تلاش‌های این انجمن برای توسعه این مدارس در سایر ایالات یهودی‌نشین ایران هم ادامه یافت. مدرسه آلیانس کرمانشاه در سال ۱۹۰۴م/۱۲۸۳ش به مدیریت مسیو سدی افتتاح شد. این مدرسه یکی از مراکز اصلی آموزش جدید و مهم‌ترین پایگاه فرهنگی کلیمیان کرمانشاه بود و نقشی مؤثر در ارتقای سطح دانش عمومی و پیشرفت مدنی آنان ایفا کرد.

۲. پرسش‌های پژوهش

مدرسه آلیانس در چه شرایط اجتماعی و با چه ساختار و برنامه آموزشی‌ای تأسیس شد و روش‌های آموزشی و رویکرد فرهنگی مدیران آن چگونه بود؟
آیا مدرسه آلیانس در بهبود وضعیت اقتصادی و مشارکت مدنی یهودیان کرمانشاه موفق بود؟

۳. فرضیه اصلی پژوهش

تأسیس مدرسه آلیانس بر مبنای فرهنگ آموزشی فرانسه و با هدف ارتقاء دانش عمومی جامعه یهودیان ایران و آشنا کردن آنان با حقوق شهروندی‌شان برای ایفای نقش مؤثر در برنامه‌های توسعه ملی و محلی انجام شد و آموزش زبان و ادبیات فارسی در این نهاد آموزشی موضوعی ثانوی بود.

۴. پیشینه پژوهش

تاریخ مدارس میسیونری و آلیانس در کرمانشاه چندان مورد توجه پژوهش‌گران تاریخ و فرهنگ محلی قرار نگرفته است. مفصل‌ترین گزارش تاریخی از تأسیس مدرسه آلیانس در کرمانشاه در سال‌نامه معارف کرمانشاه آمده است. در این کتاب عبدالحسین سلطانی رئیس معارف وقت کرمانشاه گزارشی تاریخی از رویدادهای مدرسه آلیانس تا سال ۱۳۰۵ شمسی عرضه می‌کند. ادوارد ژوزف ادیب و مترجم کرمانشاهی روایتی از درون و نگاهی از نزدیک به سیستم آموزشی مدرسه دارد. او از نخستین دانش‌آموخته‌های مدرسه آلیانس است که مشاهدات خود را از دوران تحصیل در آلیانس (۱۲۹۰ش) تقریر کرده است. هما



ناطق در کتاب «کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران» گزارشی جامع و تفسیری تاریخی از تحولات مدارس آلیانس در ایران عرضه می‌کند؛ ولی به مدرسه آلیانس کرمانشاه اشاره‌ای کوتاه می‌کند. کتاب تاریخ یهود ایران اطلاعاتی مفید درباره یهودیان کرمانشاه و مدارس آنان در عصر پهلوی اول دارد. هومن سرشار در جُنگ‌نامه تاریخی فرزندان استر بخشی را شامل اسناد تصویری منحصر به فرد به آلیانس اختصاص داده است. در لابه‌لای خاطرات فریدالملک همدانی و مقدمه دیوان عبدالکریم غیرت کرمانشاهی و نیز سفرنامه‌های خارجی هم اطلاعاتی مفید درباره مدرسه آلیانس کرمانشاه می‌توان یافت.

۵. نگاهی به جامعه یهودیان کرمانشاه در قرن نوزدهم

جامعه یهودیان کرمانشاه در قرن نوزدهم، جامعه‌ای بسته و منزوی بود. یهودیان در محله فیض‌آباد زندگی می‌کردند؛ جایی که رود آبشوران از آن عبور می‌کرد. فاضلاب شهر هم داخل این رود ریخته می‌شد. بوی گند آب و فضولات انباشته شده در حاشیه آبشوران زندگی ساکنان این محله را دشوار و مشام آنان را به‌ویژه در فصل تابستان آزرده می‌کرد. البته این وضعیت ویژه یهودیان نبود و طبقات فرودست مسلمان نیز در همسایگی آنان وضعی مشابه داشتند. محله یهودی‌نشین فیض‌آباد در نزدیکی یکی از پنج دروازه شهر قرار داشت. این دروازه به دلیل سکونت قوم یهود در مجاورت آن به دروازه یهودی‌ها معروف بود.

در آغاز قرن نوزدهم میلادی جمعیت یهودیان کرمانشاه به ۱۳۶ خانواده می‌رسید؛ ولی به چند دلیل از جمله کوچ یهودیان بغداد و اقامت آنان در کرمانشاه جمعیت یهودیان اندکی افزایش یافت. هوگو گروته جغرافی‌دان و قوم‌شناس آلمانی - که در حدود سال ۱۹۰۶م از شهر کرمانشاه بازدید کرده است - در گزارش سفر خود به کرمانشاه می‌نویسد: «جمعیت کرمانشاه در این ایام حدود ۷۰ هزار نفر بود و تعداد ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ یهودی در آن زندگی می‌کردند که از این میان ۵۰ نفرشان بازرگانان یهودی بودند که از بغداد به کرمانشاه مهاجرت کرده بودند؛ [هم‌چنین] ۸۰ کلدانی مسیحی نیز در شهر ساکن بودند» (گروته، ۱۳۶۳، ص ۱۶). براساس مشاهدات ژان اوبن سفیر فرانسه در سال ۱۹۰۶م «تعداد ۳۰۰ خانوار یهودی در کرمانشاه مقیم بودند که به حرفه‌های کوچک یا دوره‌گردی در اطراف شهر مشغول بودند و مانند بسیاری [از] پیروان حضرت موسی به لهجه سریانی صحبت می‌کردند. [آن‌ها] با بغداد رابطه تجاری داشتند و ده خانواده از تجار یهودی بغداد در آن [کرمانشاه] ساکن شده بودند» (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۳۴۵).

براساس گزارش تاریخ یهود ایران در کرمانشاه ۱۴۰۶ خانوار یهود زندگی می‌کردند و پس از آن در شهرهای کرند ۳۰ خانوار، گهواره ۱۸ خانوار، منطقه ذهاب ۱۶ خانوار، سرپل

۱۴ خانوار و قصر شیرین ۱۲ خانوار یهود زندگی می‌کردند. مشاغل عمده این یهودیان عبارت بود از: عطار ۲۲ خانوار، تاجر ۵۵ خانوار، زرگر ۲۳ خانوار، بزاز دوره‌گرد ۴۴ خانوار، عطار دوره‌گرد ۷۰ خانوار، رنگرز ۲۸ خانوار، حمال ۱۵ خانوار، دلال ۵ خانوار، معلم عبری ۲ خانوار، بافنده ۱۰ خانوار، عرق‌کش ۲ خانوار، فروشنده عرق ۳ خانوار، سلمانی ۳ خانوار، خادم کنیسه ۳ خانوار، و چاه‌کن ۳ خانوار (لوی، ۱۳۳۹، ص ۸۱۳).

به‌قاعده کلی نظام تربیتی جامعه یهودیان ایران «آموزش مختص پسران و به زبان عبری بود و هدف آن آشنایی و خواندن تورات و اجرای آیین‌ها و مناسک مذهبی مانند نماز و نیایش بود. این آموزش در مآخانه یا مکتب‌خانه‌هایی که در خانه خاخام‌های یهود و یا کنیسه‌ها بود، صورت می‌گرفت. اندکی از یهودیان از پدران خود حسابداری ایرانی موسوم به سیاق را آموخته بودند و برخی از آن‌ها به‌عنوان شاگرد و یا پادو برای تاجران و اطباء کار [می‌کردند] و دفاتر حساب آنان را رتق و فتق می‌نمودند» (سرشار، ۱۳۸۴، ص ۱۹۳).

۶. تحولات جامعه یهود کرمانشاه در اواخر قرن نوزدهم

نخستین نشانه‌های دگرگونی در جامعه یهود کرمانشاه اواخر قرن نوزدهم نمایان شد. این تحولات یهودیان را از حالت انزوا و انفعال خارج کرد و مقدمات تأسیس مدرسه آلیانس را فراهم کرد. این تحولات را در سه عنوان کلی می‌توان بررسی کرد:

۱. فعالیت میسیونرهای مسیحی در کرمانشاه؛
۲. مهاجرت گروهی از یهودیان بین‌النهرین به کرمانشاه؛
۳. تشکیل انجمن محلی آلیانس.

۶.۱. فعالیت میسیونرهای مسیحی در کرمانشاه

در میانه قرن نوزدهم فعالیت میسیونرهای مسیحی در ایران افزایش یافت. آن‌ها اگرچه در آغاز وانمود می‌کردند که هدفشان تقویت دانش دینی مسیحیان بومی و عرضه خدمات اجتماعی به آنان است، ولی به تدریج معلوم شد که مأموریت اصلی‌شان تبلیغ در میان یهودیان و مسلمانان برای تغییر دین و گرایش به مسیحیت است. در این میان میسیونرهای آمریکایی نقشی فعال‌تر داشتند و حوزه فعالیت‌شان گسترده‌تر بود. فعالیت آن‌ها در سال ۱۸۳۴م در ایران آغاز شد. آن‌ها به تدریج در شهرهای تبریز، تهران، رشت، کرمانشاه، مشهد و همدان مستقر شدند و با ایجاد بیمارستان، چاپ‌خانه، کلیسا و مدرسه به تبلیغ آرا و عقاید خود پرداختند. در سال ۱۸۴۴م اولین گروه از مبلغان مسیحی انگلیسی برای فعالیت در جوامع یهود ایران وارد کشور شدند. آن‌ها به «انجمن لندن برای اشاعه مسیحیت در



میان یهودیان» وابسته بودند. در پی فعالیت این گروه تبلیغی جمعی از یهودیان به مسیحیت گرویدند. این موضوع زنگ خطری برای رُعمای یهودی ایران بود. آنان دانستند که باید اصلاحاتی را در شیوه آموزش دینی و نظام فرهنگی خود آغاز کنند تا اقلیتشان خردتر نشود و هویت دینی‌شان به خطر نیفتد (میرزایی و میرزایی مقدم، ۱۳۹۵، از balagh.ir).

۲.۶. مهاجرت گروهی از یهودیان بین‌النهرین به کرمانشاه

در اوایل قرن نوزدهم جامعه یهود بغداد مرکزیت داشت و جوامع یهودی همجوار خود را در ایران، عثمانی و هند هدایت می‌کرد. بغداد نه تنها مرکز تجاری یهودیان بلکه مرکز دینی آنان نیز بود. در آن روزگاران میان یهودیان ایران و عراق روابط تجاری و همکاری در زمینه مطالعات دینی برقرار بود. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم گروهی از یهودیان بغداد بر اثر سیاست‌های دولت عثمانی به ویژه سختگیری در دوران والی گری داوودپاشا و نیز نداشتن تمایل به شرکت در خدمات نظامی دولت عثمانی تصمیم به مهاجرت گرفتند. در آن ایام جوانان یهودی از طرف ترک‌ها برای شرکت در ارتش و حضور در میدان جنگ در فشار بودند. آنان برای فرار از خدمت اجباری راهی ایران شدند. تعدادی از این خانواده‌های یهودی در کرمانشاه مقیم شدند. آن‌ها از تحولات دنیای مدرن باخبر بودند و با جنبش اصلاحات عثمانی موسوم به «عصر تنظیمات» آشنایی داشتند و هم‌چنین در زمینه تجارت با ملل هم‌جوار هم صاحب دانش و تجربه بودند. ورود آنان به کرمانشاه جامعه بسته و منزوی کرمانشاه را اندک‌تکانی داد و آماده پذیرش مفاهیم نو کرد (سرشار، ۱۳۸۴، ص ۲۷۳).

۳.۶. تشکیل انجمن محلی آلیانس

در اواخر قرن نوزدهم میلادی انجمن فرهنگی بین‌المللی یهود به نام اتحادیه جهانی اسرائیلی تکاپوهای خود را برای تشکیل مدارس سبک نوین در ایران هم آغاز کرد. این تشکیلات در سال ۱۸۶۰م در فرانسه تأسیس شد. «هدف آلیانس ارتقاء دانش عمومی یهودیان، بهبود وضعیت اجتماعی و آگاه‌نمودن آنان با حقوق شهروندی‌شان بود و آموزش را روش و ابزاری مؤثر در این راه می‌دانست» (رینگر، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲).

این انجمن شاخه‌های محلی خود را تأسیس کرد و کوشید برنامه‌های خود را گسترش دهد. از مهم‌ترین برنامه‌های انجمن تلاش برای تأسیس مدارس نوین به سبک اروپا (بر مبنای نظام آموزش فرانسه) در ایران بود.

۱. Jakob Edward polak شاه یاکوب ادوارد پولاک^۱ معلم پزشکی دارالفنون و طبیب مخصوص ناصرالدین شاه



نخستین کسی بود که موضوع تأسیس مدرسه آلیانس در تهران را مطرح کرد؛ ولی این اندیشه اجرایی نشد. در آوریل ۱۸۹۸م در دوران سلطنت مظفرالدین شاه اولین مدرسه آلیانس به حمایت کنسولگری‌های فرانسه و بریتانیا و نیز حمایت دوستان تومانی مظفرالدین شاه در تهران افتتاح شد. این مدرسه بانام اتحاد با ثبت نام ۱۰۰ دانش آموز آغاز به کار کرد. علاوه بر دو معلم عبری، شش آموزگار مسلمان هم برای تدریس فارسی و عربی به کار گرفته شدند. کتاب و دفاتر آموزشی لازم هم از فرانسه فرستاده می شد.

در پی این تحولات، اتحادیه جهانی اسرائیلی برای یهودیان همدان در سال ۱۹۰۰م/ ۱۲۷۸ش، یهودیان اصفهان در سال ۱۹۰۱م/ ۱۲۷۹ش، یهودیان شیراز در سال ۱۹۰۴م/ ۱۲۸۳ش و یهودیان کرمانشاه در سال ۱۹۰۴م/ ۱۲۸۳ش مدارس تأسیس کرد که از الگو و شیوه آموزشی مدارس مرکزی آلیانس پیروی می کرد (سرشار، ۱۳۸۴، ص ۱۹۳).

۷. تأسیس مدرسه آلیانس اسرائیلی کرمانشاه (۱۹۰۴م/ ۱۲۸۳ش)

مدرسه آلیانس اسرائیلی کرمانشاه در سال ۱۹۰۴م/ ۱۲۸۳ش به مدیریت مسیو سدی^۱ افتتاح شد. در این سال‌ها جنبش نوسازی آموزشی در کرمانشاه آغاز و نخستین مدارس شهر با نام‌های مدرسه احتشامیه (۱۲۷۸ش) و مدرسه اسلامی (۱۲۷۸ش) تأسیس شده بود؛ ولی با توقف و تعطیلی این مدارس دانش آموزان آن‌ها بلا تکلیف مانده بودند. در ۱۲۸۰ش مدرسه علمیه اسلامی تنها نهاد آموزشی جدید در کرمانشاه بود.

تأسیس مدرسه آلیانس در محیط کرمانشاه اتفاقی تازه بود. نقش و نام مؤسسه جهانی آلیانس و حمایت سفارت‌خانه‌های فرانسه و انگلیس از آن برای مدرسه اعتبار می آورد. آموزش زبان فرانسه در آلیانس مزیت و جاذبه‌ای خاص به‌ویژه برای اعیان شهر و صاحب‌منصبان دولتی داشت؛ چون آن‌ها می‌کوشیدند با فرستادن فرزندان خود به آلیانس منصب دولتی آینده آنان را تضمین کنند. اگرچه مدرسه آلیانس برای آموزش کودکان و نوآموزان یهودی تأسیس شده بود، ولی منعی برای تحصیل دانش آموزان دیگر مذاهب مانند مسیحیان و مسلمانان وجود نداشت. تقریباً تمام خانواده‌های مسیحی کرمانشاه کودکان خود را به مدرسه آلیانس می‌فرستادند تا براساس برنامه و نظام آموزشی آلیانس دانش بیاموزند (سرشار، ۱۳۸۴، ص ۲۰۱).

برنامه آموزشی مدرسه آلیانس برای دوره ابتدایی و متوسطه شامل زبان عبری، تعلیمات دینی، زبان و ادبیات فرانسه، فارسی، ریاضیات، علوم طبیعی، فیزیک، و تاریخ و جغرافیا بود. آموزش زبان فرانسه به‌عنوان زبان علمی، و آموزش زبان عبری به‌عنوان زبان دین یهود در صدر آموزش قرار داشت. آموزش زبان عبری در مدرسه آلیانس ویژه دانش آموزان کلیمی

1. Sidi



بود. در این ساعت دیگر دانش‌آموزان آزاد بودند تا در محیط مدرسه به بازی و سرگرمی بپردازند؛ ولی اگر دانش‌آموزی به فراگیری آن مایل بود و در آن استعدادی نشان می‌داد، از او ممانعت نمی‌شد. ادوارد ژوزف (۱۲۸۲-۱۳۷۲ش) ادیب و مترجم کرمانشاهی از نخستین دانش‌آموخته‌های مدرسه آلیانس کرمانشاه بوده‌است. او در گزارش مختصر خود از خاطرات تحصیلی‌اش در مدرسه آلیانس جزئیاتی جالب را بیان می‌کند: «یک روز هنگام درس عبری همه مسلمان‌ها و مسیحی‌ها از اتاق خارج شدند، جز من که در جای خود نشسته بودم. خلیفه یادگار دستور داد که از کلاس بیرون بروم. گفتم که من عبری یاد گرفته و می‌توانم تورات بخوانم. گفت بردار و بخون. من هم خواندم و خلیفه یادگار اجازه داد که بمانم» (ژوزف، ۱۳۶۳، ص ۱۸۰).

برنامه مدرسه آلیانس مطابق آموزش فرهنگی کشور فرانسه بود و کتاب‌های درسی زبان فرانسه از پاریس می‌آمد؛ حتی دفترهای مشق هم از فرانسه می‌آمد، ولی شیوه اجرای برنامه‌های آموزشی و کیفیت آن را مدیریت مدرسه برعهده داشت. اغلب آموزگاران محلی بودند و بضاعت علمی‌شان اندک بود. معمولاً روش حفظ و تکرار طوطی‌وار محور فعالیت‌ها بود و به وقت اقتضا از تویخ و تنبیه بدنی به‌عنوان قاعده‌چوب تر استفاده می‌شد.

۸. متون و برنامه آموزشی آلیانس

مدارس آلیانس در ایران براساس سیاست‌های کلی سازمان آلیانس جهانی شکل گرفته بود. زبان فرانسه زبان علمی آموزشی در این مدارس بود. مدیران آلیانس عمدتاً فرانسوی و دیپلمه دارالمعلمین پاریس بودند. آنان در این مأموریت می‌کوشیدند تا فرهنگ و نظام تعلیم و تربیت فرانسه را اشاعه دهند. هما ناطق درباره برنامه آموزش مدارس آلیانس می‌نویسد: شاگردان متن‌هایی از الکساندر دوما، ویکتور هوگو و ولتر می‌خواندند. افزون بر این، کتاب علوم، تاریخ و جغرافیا هم می‌آموختند. امتحانات پایان سال را به زبان فرانسه می‌گذراندند و کارنامه تحصیلات ابتدایی را پس از شش سال و دیپلم را پس از ۹ سال می‌گرفتند (ناطق، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱). در این پروسه آموزشی انتظار می‌رفت تا دانش‌آموختگان آلیانس بتوانند در آزمون و امتحانات زبان فرانسه شامل انشا، ترجمه، دیکته و مکالمه، زبان فارسی شامل انشا، دیکته، و روخوانی، زبان عبری شامل تعلیمات دینی و روخوانی تورات، هم‌چنین حساب، و تاریخ و جغرافیا نمره قبولی بگیرند. بدین منظور مدیران آلیانس می‌کوشیدند تا جمعی از یهودیان ایرانی تحصیل کرده و آشنا به زبان فرانسه و ترجیحاً دارنده تصدیق‌نامه آلیانس را به‌عنوان آموزگار و دبیر به خدمت گیرند. برای آموزش زبان و خط عبری و کاهش خصومت خاخام‌ها و رفع دل‌نگرانی‌های

آنان درباره نادیده گرفته شدن شریعت موسی در نظام آموزشی جدید، تعدادی از ملایان و روحانیون یهود را هم در مدارس آلیانس به کار گرفتند (سرشار، ۱۳۸۴، ص ۲۰۱).

آموزش زبان فارسی و ادبیات عربی بر عهده آموزگاران مسلمانی بود که با مدرسه آلیانس همکاری می کردند. بر اساس قدیمی ترین برگه احصائیه موجود در بایگانی راکد آموزش و پرورش استان کرمانشاه مدرسه آلیانس در سال تحصیلی ۱۳۰۹ ش، ۱۶ پرسنل داشت، مدیر مدرسه فرانسوی و دیپلمه دارالمعلمین پاریس بود. در میان معلمان مدرسه به جز مسیو صالح کهن که تصدیق دیپلم آلیانس داشت، یک نفر سیکلت اول ۶ نفر تصدیق ششم ابتدایی و مابقی مدارک قدیم داشتند. یک روحانی کلیمی آموزش زبان عبری را بر عهده داشت که فاقد مدرک تحصیلی بود. سن آموزگاران بین ۱۴ تا ۵۵ سال بود. ۴ تن از آموزگاران مدرسه نیز مسلمان بودند. مدرسه دو مستخدم داشت (اسناد بایگانی راکد آموزش و پرورش، پوشه احصائیه‌ها، سال ۱۳۰۹).

مدرسه آلیانس کرمانشاه در آغاز ساختمانی مستقل نداشت و محلی را به اجاره می گرفت. ادوارد ژوزف در خاطرات خود می نویسد: «مدرسه آلیانس کرمانشاه در زمان ما از خود بنا و ساختمان نداشت. اجاره کردن خانه‌ای بزرگ که دارای چندین اتاق باشد در محله کلیمی‌ها کار بسیار دشواری بود. در تمام مدت تحصیل من تنها در دو ساختمان بزرگ تحصیل کردیم. مدتی هم در یک کاروانسرای بزرگ که اتاق زیاد داشت مدرسه دایر بود» (ژوزف، ۱۳۶۳، ص ۱۸۴).

یکی از اقدامات سنجیده کمیته محلی آلیانس کرمانشاه، تأمین ساختمانی مستقل برای مدرسه بود که به مالکیت انجمن آلیانس درآمد. ساختمان مدرسه در زمان خود محکم و مناسب بود و در مرکز شهر در جوار مراکز مهم دولتی معروف به دیوان‌خانه قرار داشت.

مدرسه آلیانس خود را مستقل از پروگرام دولتی می دانست و تا مدت‌ها به بازرسی و نظارت مفتشان اداره معارف تن نمی داد. تنها پس از استقرار سلطنت رضاشاه و دستورالعمل یکسان‌سازی مدارس نوین در اجرای پروگرام دولتی بود که این مدرسه به تدریج و به‌اکراه به نظارت تن داد و برگه‌های احصائیه را تنظیم و به اداره معارف کرمانشاه ارسال کرد (سلطانی، ۱۳۰۵، ص ۹).

۹. مدیران آلیانس کرمانشاه

مدرسه آلیانس کرمانشاه در سال ۱۹۰۴م/۱۲۸۳ش با مدیریت مسیو سدی تأسیس شد. پس از نوامبر ۱۹۰۵م/۱۲۸۴ش مسیو ساکه^۱ به ریاست مدرسه برگزیده شد. در دسامبر ۱۹۰۸م/۱۲۸۷ش موسیو کهن^۲ مدیر شد و پس از او مسیو فرانکو^۳ ۱۰ سال

1. sagues
2. kuhan
3. franku



(۱۹۰۹-۱۹۱۹م/۱۲۸۷-۱۲۹۷ش) مدیر مدرسه آلیانس شد. او یهودی اهل فرانسه بود. نظامت مدرسه را هم در این دوره و تا مدت‌ها پس از آن میرزا حسن خطاط هنرمند خوش‌نویس شهر برعهده داشت که زبان فارسی و مشق خط را نیز آموزش می‌داد. پس از مسیو فرانکو یک‌چند میرزا حسن خطاط کفالت او را برعهده گرفت (سلطانی، ۱۳۰۵، ص ۹)؛ تا اینکه در ۱۹۲۴م/۱۳۰۲ش یکی از ایرانیان کلیمی تحصیل‌کرده پاریس به نام ابراهیم (آبراهام) نه‌ورای اهل اصفهان -کارمند برجسته اداره گمرک- به مدیریت آلیانس انتخاب شد.

یکی از وظایف مدیران محلی آلیانس دادن گزارش وضعیت یهودیان و رخدادهای اجتماعی آنان به کمیته جهانی آلیانس فرانسه بود؛ چنان‌که مسیو فرانکو مدیر مدرسه آلیانس کرمانشاه در گزارشی می‌نویسد: «از وقتی که نظام السلطنه حاکم [کرمانشاه] شده، وضع یهودیان کرمانشاه بهتر است و دیگر قتل و دزدی در شهر نیست و حاکم اطمینان داده‌است» (لوی، ۱۳۳۹، ص ۸۳۷).

۱۰. عایدات مدرسه آلیانس

مدرسه آلیانس نهادی غیردولتی بود و کمیته‌ای محلی آن را اداره می‌کرد و بودجه آن از طریق شهریه دانش‌آموزان و جمع‌آوری اعانه از خانواده‌های سرشناس و ثروتمند کلیمی فراهم می‌شد. کمک‌های خارجی بیشتر به صورت اقلام آموزشی و کتب درسی به کمیته محلی آلیانس می‌رسید. در گزارش سال ۱۳۰۵ سال‌نامه معارف کرمانشاه آمده‌است: «در برج سرطان ۱۲۹۲ تجار کلیمی به اسم اینکه یک قسمت از تجارت شهر در دست آن‌ها است، مطالبه سهمی از عایدات عدلی یک شاهی گمرکی نمودند و بعد از چندین جلسه مذاکرات یک ثلث از عایدات مذکور به مدرسه آلیانس اختصاص داده شد» (سلطانی، ۱۳۰۵، ص ۸).

سلطانی رئیس معارف کرمانشاه در سال ۱۳۰۵ در گزارش خود به وزارت معارف از کمبود و کاهش بودجه اداره معارف و مجموعه مدارس و پرسنل گله می‌کنند و یادآور می‌شود: «جمع بودجه ۱۳۰۵ از جمع بودجه ۱۳۰۴ خیلی کمتر و بالغ بر ۲۶۷۷۲ تومان گردیده و چون از این مبلغ ماهی یک‌صد تومان (سالانه ۱۲۰۰ تومان) اعانه‌ای که باید به مدرسه پرداخت نمایم از آن کسر [می‌شود] جمع بودجه ۲۹۷۰ تومان کمتر از بودجه سال ۱۳۰۴ می‌باشد» (سلطانی، ۱۳۰۵، ص ۵۲).

شهریه دانش‌آموزان منبع دیگری بود که آلیانس با استفاده از آن مخارج خود را تأمین می‌کرد. شهریه ماهانه مدرسه حداقل ۳ قران بود که شاگردان تهی‌دست و خانواده‌های

کم‌بضاعت یهود از پرداخت آن معاف بودند (ژوزف، ۱۳۶۳، ص ۱۸۲). در سال تحصیلی ۱۳۰۹ ش از تعداد ۴۶۰ دانش‌آموز مدرسه ۱۴۳ تن به‌رایگان تحصیل می‌کرده‌اند. در شرح اثاثیه و لوازم کلاسیک مدرسه آمده‌است: میز و نیمکت ۱۴۱ عدد؛ میز معلم ۷ عدد؛ صندلی ۱۲ عدد؛ تخته‌سیاه ۱۲ عدد؛ نقشه جغرافیا ۱۵ عدد شامل ۶ عدد گنگ، ۴ عدد فارسی و ۵ عدد فرانسه (اسناد بایگانی راکد آموزش و پرورش کرمانشاه، پوشه احصائیه‌ها، سال ۱۳۰۹).

۱۱. تنبیه بدنی در آلیانس

در آغاز تصور می‌شود که با تأسیس مدارس جدید و شیوه نوین آموزشی، تنبیه بدنی (یکی از معایب نظام مکتب‌خانه‌ای) از نظام آموزشی حذف شده باشد، ولی براساس اسناد و روایت‌های موجود، این شیوه در برخی از مدارس جدید از جمله در آلیانس کمابیش تا مدت‌زمانی بعد هم اعمال می‌شده‌است. ادوارد ژوزف یکی از دانش‌آموختگان نسل اول مدرسه آلیانس در سال ۱۲۹۰ ش، در خاطرات خود از رواج این شیوه در مدرسه آلیانس یاد می‌کند (ژوزف، ۱۳۶۳، ص ۱۸۰).

براساس برنامه‌ای نانوشته هفته‌ای یکی دو روز چوب و فلک در کار بود. ابتدا در صف صبحگاهی شاگرد بینوا به نام خوانده می‌شد و ناظم مدرسه میرزا حسن خطاط درباره جرائم اعمال او نکاتی را به استماع دانش‌آموزان می‌رساند. سپس بساط چوب و فلک مهیا می‌شد. خطاکاران به دلیل تنبلی در آموزش و یا شیطنت مجازات می‌شدند؛ «گاه نیز به درخواست اولیای دانش‌آموزان تنبیه می‌شدند. مثلاً کسی شکایت به مدرسه آورد که فرزندش در خانه درس نمی‌خواند و به کبوتربازی می‌پردازد. او را در مقابل چشمان پدر و انظار دانش‌آموزان چنان تنبیه کردند که بیچاره زیر چوب فلک داد می‌زد که غلط کردم دیگر کفکری بازی نمی‌کنم؛ از رنج درد و هول جان به جای گفتن کفتر کفکر می‌گفت» (ژوزف، ۱۳۶۳، ص ۱۸۲).

چوب خیزران نازکی و سیله کمک آموزشی میرزا حبیب معلم زبان فرانسه بود که از آن بسیار استفاده می‌کرد. فقط تقصیر و کوتاهی بهانه تنبیه دانش‌آموزان نبود، گاه دست‌آویزی کوچک هم بهانه تنبیه آن‌ها می‌شد. مثلاً دانش‌آموزی به جرم چپ‌دست بودن مستحق تنبیه و آزار بدنی می‌شد (ژوزف، ۱۳۶۳، ص ۱۸۴).

گاه تنبیه بدنی چنان با قدرت و خشونت اعمال می‌شد که به نقص بدنی دانش‌آموزان منجر می‌شد. برای نمونه «دانش‌آموزی مسیحی بود که در برنامه تنبیه میرزا یائیز حیره یومیه داشت. یک بار میرزا یائیز چنان به کف دست او زده بود که انگشت کوچک دست راستش شکسته بود. پدر و مادرش ناچار او را نزد پزشک بردند و انگشت او را عمل کردند. بیچاره تا



آخر زندگی انگشت کوچکش خمیده ماند و درست باز نمی شد» (ژوزف، ۱۳۶۳، ص ۱۸۴).

۱۲. دیگر کوشش‌های کمیته محلی انجمن اسرائیلی کرمانشاه

پس از تأسیس مدرسه آلیانس کرمانشاه کمیته محلی انجمن اسرائیلی تلاش‌های خود را در دو زمینه به کار گرفت:

نخست تأسیس مدارس ویژه یهودیان در ولایات تابعه؛ دوم تأسیس مدرسه دخترانه آلیانس.

۱. ۱۲. تأسیس مدرسه آلیانس کردند

چند خانوار یهودی در ولایات تابعه استان کرمانشاه مانند کوند، قصر شیرین و کنگاور زندگی می‌کردند. در کوند ۲۰ خانوار یهودی به کسب و دادوستد مشغول بودند (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۳۵۴). کمیته محلی آلیانس بر آن شد تا شعبه‌ای از مدرسه آلیانس را در این ولایت هم تأسیس کند؛ ولی اندک‌بودن تعداد نوآموزان یهودی و فراهم‌نبودن زمینه‌های اجتماعی، تأسیس این مدرسه را به تعویق انداخت. سرانجام در سال ۱۳۰۵ ش مدرسه آلیانس کوند افتتاح شد. در گزارش سال‌نامه معارف کرمانشاه در این باره آمده است: «جماعت کلیمی برای تعمیم سواد در قصر [شیرین] و کنگاور هم اقداماتی نمودند و مدارس دایر کردند؛ ولی به واسطه کمی تعداد [دانش‌آموزان] و نظریات دیگر، مدارس مذکور را منحل [کردند] و این طایفه در مدارس دولتی قصر و کنگاور مشغول تحصیل شدند. اخیراً (۱۳۰۵ ش) به واسطه ضیق مکان [مدارس دولتی] مدرسه کلیمی مجزا گردید» (سلطانی، ۱۳۰۵، ص ۹).

شهر کوند یک کنیسه، سه [مجلد] تورات و یک حمام داشت. بعد از خرابی ذهاب عده‌ای از یهودیان آن به قصر [شیرین] و خانقین رفتند و عده‌ای به کوند آمدند. مردم کوند «با یهودیان محبت دارند. یهودیان کوند سابقاً تلمود داشتند. هنگام جنگ اول و در اثر جنگ عثمانی و روس چندین مرتبه یهودیان کوند غارت [شدند] و مدرسه آن‌ها بسته شد» (لوی، ۱۳۳۹، ص ۱۰۲۳).

۲. ۱۲. تأسیس مدرسه دخترانه آلیانس

دیگر اقدام کمیته محلی، تأسیس مدرسه اناث آلیانس بود. خانواده‌های یهودی سنت‌گرا بودند و دختران خود را به مدرسه نمی‌فرستادند. دختران در خانه از خواهر و برادر خود مراقبت می‌کردند و اکثراً در سنین ۹ تا ۱۳ سالگی ازدواج می‌کردند و اجازه نداشتند به تنهایی از خانه خارج شوند (سرشار، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷).

تلاش برای تأسیس مدرسه دخترانه آلیانس در کرمانشاه سرانجام در سال ۱۳۰۴ به ثمر

نشست. در سال ۱۳۰۵ شعبهٔ انات مدرسهٔ آلیانس در کرمانشاه ۷۷ دانش‌آموز داشت که در کلاس‌های تهیه و سال اول و دوم به تحصیل مشغول بودند. مدیران آلیانس بر این عقیده بودند که مدارس دخترانه نقشی مهم در بهبود وضعیت اجتماعی زنان خواهد داشت و این مدارس را عاملی بسیار مهم در کاهش ازدواج کودکان، چندهمسری و طلاق می‌دانستند (رینگر، ۱۳۸۱، ص ۱۵۵). برنامهٔ آموزشی مدارس دخترانهٔ آلیانس با آنچه پسران می‌آموختند متفاوت بود. دختران، زبان عبری، تعلیمات دینی، خواندن و نوشتن فارسی، و زبان فرانسه می‌آموختند؛ علاوه بر آن، بهداشت فردی، و تدبیر منزل شامل مهارت‌هایی چون خانه‌داری و خیاطی را هم فرامی‌گرفتند.

مدارس آلیانس می‌بایست از الگوی مرکزی مدارس نوین به سبک اروپایی پیروی می‌کردند. کلاس‌ها دیگر نمی‌باید انباشته از دانش‌آموزان با سنین مختلف می‌بود. مدرسه می‌باید ساختمانی آبرومندانه، کلاس‌های منظم و دانش‌آموزانی در رده‌های سنی تقریباً یکسان و پایه‌های آموزشی معین و کتب درسی تعریف‌شده می‌داشت. ادارهٔ مدرسه برعهدهٔ مدیری بود که خود فارغ‌التحصیل دانش‌سرای آلیانس بود؛ ناظم هم او را در ادارهٔ مدرسه یاری می‌رساند. اصول اولیهٔ بهداشت رعایت می‌شد؛ کلاس‌ها دارای میز و صندلی (نیمکت) بود و دانش‌آموزان دیگر بر روی زمین نمی‌نشستند؛ آموزگاران هم با دقت مراقب پاکیزگی و لباس دانش‌آموزان بودند.

ولی روش تدریس اختلاف فاحشی با نظام سنتی و مکتب‌خانه‌ای نداشت. تکرار و به حافظه سپردن متون درسی هنوز شیوهٔ متداول بود. تنبیه بدنی رسماً غیرمجاز بود، ولی درواقع رعایت نمی‌شد و معلمان هر وقت که ضرورت می‌دیدند بدان اقدام می‌کردند.

آموزش توجه بیشتری به نوشتن داشت. وجود تخته‌سیاه در یک کلاس درس برای به‌تصویرکشیدن و نشان‌دادن مطالب در تفهیم متون نقشی مؤثر داشت. مهم‌ترین تفاوت آلیانس با مکتب‌خانه‌های یهود، زبان آموزشی آن بود. در مکتب‌خانه‌ها متون دینی به زبان عبری تدریس می‌شد، ولی در آلیانس متونی از دانش‌های عمومی و به زبان فرانسه آموزش داده می‌شد. تنها در آموزش تعلیمات دینی و قرائت متون مذهبی از زبان عبری استفاده می‌شد. گویانکه در مدارس جدید آلیانس فرد یهودی به‌عنوان یک عضو جامعهٔ یهود تربیت نمی‌شد؛ او برای عضویت در فرهنگ جدید و اروپایی و به‌صورت خاص فرانسه پرورش می‌یافت.

۱۳. کارنامهٔ آلیانس کرمانشاه

کارنامهٔ فرهنگی آلیانس کرمانشاه را از دو منظر می‌توان بررسی کرد: منظر درونی و در پیوند با هویت قوم یهود؛ و منظر بیرونی در پیوند با هویت ایرانی. آلیانس در پیوند با هویت



قومی یهود نقشی مثبت و مؤثر ایفا کرد. دستاوردهای این نهاد آموزشی را چنین می‌توان ارزیابی کرد:

۱. ۱۳. افزایش دانش و فرهنگ عمومی

تأسیس مدرسه آلیانس کرمانشاه در رشد فکری و فرهنگی و در نتیجه ارتقاء پایگاه طبقاتی جامعه یهود مؤثر بود. تعداد دانش‌آموخته‌های آلیانس رو به فزونی نهاد تا جایی که کمتر کسی از آنان بی‌سواد باقی ماند. سال‌نامه معارف کرمانشاه در این باره می‌نویسد: «مدرسه آلیانس نسبت به جماعت کلیمی کاملاً به وظایف خود عمل نموده و این طایفه را که در متهدارجه ذلت و فلاکت امرار حیات می‌نمودند به طی مدارج ترقی واداشته و تاندازه‌ای فعالیت به‌خرج داده که امروزه در جماعت اسرائیلی جز عده‌ای قلیلی بقیه صاحب خط و سواد بوده و بلکه بعضی علاوه بر زبان فارسی، فرانسه، عبری و انگلیسی را هم فراگرفتند» (سلطانی، ۱۳۰۵، ص ۸).

۲. ۱۳. توسعه دامنه تجارت و مشارکت سیاسی

عده‌ای از دانش‌آموخته‌های آلیانس کرمانشاه راهی اروپا شدند و کسانی نیز برای تکمیل تحصیلات خود در رشته طب به مدرسه دارالفنون تهران رفتند. فرزندان تاجر پیشه یهود نیز سروسامانی به کسب و کار خود دادند و آن را توسعه بخشیدند و در دفاتر تجارت خارجی خود با بنگاه‌های اقتصادی خاورمیانه وارد معاملات شدند. ورود به صحنه سیاست ایران و منطقه برای پاره‌ای از تحصیل کرده‌های آلیانس جذاب بود و کسانی نیز بخت خود را در این راه آزمودند؛ از این نمونه می‌توان به شموئیل حییم^۱ (۱۲۷۶-۱۳۱۰ ش) دانش‌آموخته مدرسه آلیانس کرمانشاه اشاره کرد. او در شهر کرمانشاه چشم به جهان گشوده بود. پدرش یحزقیل حییم از کاسبان شناخته شده شهر بود. شموئیل پس از پایان تحصیلات متوسطه خود وارد خدمات دولتی شد و به استخدام اداره گمرک کرمانشاه درآمد و در سن جوانی تارباست گمرک کرمانشاهان پیش رفت. او در زمان جنگ جهانی اول و اشغال ایران به دست قوای بریتانیا، به عنوان مترجم و مشاور اداری ارتش به خدمت انگلیسی‌ها درآمد. پس از آن راهی تهران شد و توانست به عنوان نماینده جامعه کلیمیان ایران به مجلس پنجم مشروطه راه یابد.

۳. ۱۳. آلیانس به عنوان مرکز فعالیت فرهنگی اجتماعی یهود

مدرسه آلیانس توانست به مهم‌ترین سازمان اجتماعی و فرهنگی جامعه یهود کرمانشاه تبدیل شود. آلیانس مرکز همایش‌های اجتماعی، فعالیت و ملاقات‌های عمده یهودیان

1. Samuel haim

شد و در استیفای حقوق مدنی آنان گام‌هایی مؤثر برداشت. در بلوای سال ۱۲۸۸ ش که به غارت محلات یهودی‌نشین شهر توسط آجامر^۱ و اوباش منجر شده بود، روحانیون و بزرگان شهر در پی رفع تظلم برآمدند و مدرسه آلیانس به صورت پایگاهی برای جمع‌آوری اموال منهبه در آمد (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به فریدالملک همدانی، ۱۳۵۴، ص ۳۱۲؛ کتاب آبی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۹).

ولی این همه ماجرا نیست. کارنامه این نهاد فرهنگی در مواجهه با هویت ملی و آموزش زبان و ادبیات فارسی چندان موفق نیست. آلیانس می‌کوشید پایگاهی برای اشاعه فرهنگ، زبان و ادبیات مغرب‌زمین در ایران باشد و آموزش زبان و ادبیات فارسی در آن موضوعی ثانوی تلقی می‌شد.

مدرسه آلیانس تا مدت‌ها مانند یک نهاد مستقل آموزشی عمل می‌کرد و برنامه و دروس آموزشی آن براساس اهداف انجمن آلیانس طراحی شده بود و بودجه آن هم مستقل بود و تلاش حکومت برای نظارت بر سیستم آموزشی آن از اوایل عصر رضاشاه آغاز شد. براساس گزارش‌های ارسالی به اداره معارف و حکومت کرمانشاهان، پروگرام وزارت معارف در این مدرسه اجرا نمی‌شد؛ بدین صورت که در کلاس‌های ابتدایی زبان فرانسه تدریس می‌شد و زبان فارسی آموزش داده نمی‌شد (ساکما، ۱۷۲۴۶، ۲۹۷۰، برگه ۲). در راپورت دیگری به اداره نظمیۀ کرمانشاه آمده است که تنی چند از یهودیان از جمله دو مستخدم بانک عثمانی و بانک شاهنشاهی و یک تاجر یهودی بین خود «مجلس تشکیل داده و اظهار کرده‌اند که چون مخارج مدرسه را خود متحمل می‌شویم چرا باید اداره معارف تدریس فرانسه را غدن کند. آنان بر این گفتار بوده‌اند که «یا باید مخارج مدارس آلیانس را اداره معارف تهیه نماید یا هر چه بخواهیم می‌خوانیم» (ساکما، ۱۷۲۴۶، ۲۹۷۰، برگه ۴). به نظر می‌رسد که اصرار مدیران محلی آلیانس در آموزش زبان فرانسه و آموزش ندادن زبان فارسی براساس رویکرد عمومی و فرهنگی آلیانس و دستورالعملی کلی بوده است. آنان بر وجه «اقلیت» و «کلیمی» بودن خود اصرار و ابرام داشتند و از درهم آمیخته شدن با فرهنگ ملی، و سنن و مواریت تاریخی آن اکراه داشتند. برنامه‌های آموزشی آلیانس حاکی از آن است که تدریس زبان فارسی و دروس مرتبط با تمدن و فرهنگ ایران مانند تاریخ و جغرافیا چندان در آن جدی گرفته نمی‌شده است. شموئیل حبیب (مقتول ۱۳۱۰ ش) از دانش‌آموخته‌های آلیانس کرمانشاه و از فعالان جنبش صهیونیسم در ایران بود (سرشار، ۱۹۹۴، ج ۳، ص ۴۷). او در پیشبرد برنامه‌های صهیونیسم در ایران بسیار کوشید. هر چند که او را نمی‌توان نماینده فاطبه کلیمیان کرمانشاه دانست.

۱. ارادل؛ الواط؛ اوباش؛ غوغاطلبان؛ ولگردان.

۱۴. نتیجه

تأسیس مدرسه آلیانس در کرمانشاه مقارن با تحولات جنبش مشروطیت و تلاش برای نوسازی سیستم آموزشی در ایران بود. آلیانس در این برهه پراشوب نقشی مفید و مؤثر در کرمانشاه داشت. نخستین مدارس شهر -محتشمیه و اسلامیة- به دلایلی تعطیل و دانش‌آموزان آن بیکار و رها شده بودند. این دانش‌آموزان پس از تأسیس مدرسه آلیانس مجال یافتند تا تحصیلات خود را برای مدتی در آلیانس پیگیری کنند.

ولی مهم‌ترین کارکرد مدرسه آلیانس کرمانشاه، ارتقاء سطح دانش و فرهنگ عمومی کلیمیان شهر بود. اکثر یهودیان از لحاظ موقعیت اجتماعی دون پایه بودند و اطفالشان هم بی‌سواد بودند. با تأسیس مدرسه آلیانس این کودکان مجال یافتند تا به دانش‌اندوزی روی آورند و در ارتقاء جایگاه اجتماعی خود بکوشند.

انجمن آلیانس کرمانشاه از پیشگامان جنبش آموزش نسوان در کرمانشاه بود. شعبه دخترانه مدرسه آلیانس در سال ۱۳۰۴ ش تأسیس شد. آموزش‌های آلیانس در کاهش ازدواج کودکان، چندهمسری و طلاق مؤثر بود. این دختران مهارت‌های ضروری یک زن خانه‌دار را نیز می‌آموختند. انجمن آلیانس بر آن بود تا دایره تعلیمات نوین و تأسیس مدارس جدید را در شهرستان‌های تابعه گسترش دهد؛ هرچند که این کوشش‌ها تنها در شهرستان کرند به‌ثمر نشست.

جوانان یهودی با زبان و ادبیات فرانسه آشنا شدند و توانستند مدارج ترقی را در سازمان اداری طی کنند و در جنبش نوسازی سازمان سیاسی اداری عصر رضاشاه مشارکت کنند. آلیانس امکان جابه‌جایی طبقاتی قوم یهود را از فرودستان شهری به طبقه متوسط فراهم کرد. آنان توانستند مفهوم شهروندی را درک کنند و مشارکت مدنی خود را بیازمایند. با این‌همه تمایل رهبران آنان به سیاست جهانی و جنبش صهیونیست مانعی بزرگ در شکل‌گیری مفهوم «یهود ایرانی» بود و پیشینه تاریخی و دینی آنان هم امکان زیست برابر و مسالمت‌آمیزشان را با بقیه جامعه ایران از بین می‌برد.

منبع

اسناد

سازمان اسناد ملی ایران (ساکما): شماره ردیف ۱۷۲۴۶، ۲۹۷۰، ۵ برگ.
اسناد بایگانی راکد آموزش و پرورش کرمانشاه، پوشه احصائیه‌ها، سال ۱۳۰۹، مدرسه آلیانس.

کتاب



- اوین، اوژن. (۱۳۶۲). *ایران امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷)*. (علی اصغر سعیدی، مترجم). تهران: زوار.
- رینگر، مونیکا. ام. (۱۳۸۱). *آموزش، دین، و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار*. (مهدی حقیقت‌خواه، مترجم). تهران: فقتوس.
- سرشار، هما. (۱۹۹۴). *تروعا: یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر*. (ج ۳). کالیفرنیا: مرکز شفاهی یهودیان ایران.
- سرشار، هومن. (۱۳۸۴). *فرزندان استر: مجموعه مقالاتی درباره تاریخ و زندگی یهودیان در ایران*. (مهرناز نصریه، مترجم). تهران: نشر کارنگ.
- سلطانی، عبدالحسین. (۱۳۰۵). *سال‌نامه اداره معارف کرامن‌شاهان*. کرمانشاه: مطبعه سعادت.
- فریدالملک همدانی، محمدعلی. (۱۳۵۴). *خاطرات فرید*. (مسعود فرید، کوشش گر). تهران: زوار.
- غیرت کرامن‌شاهی، عبدالکریم. (۱۳۳۸). *کلیات آثار سید عبدالکریم غیرت*. (به کوشش محمدسعید غیرت). تهران: چاپ‌خانه فردوسی.
- کتاب آبی: انقلاب مشروطه ایران به روایت اسناد وزارت امور خارجه انگلیس*. (۱۳۷۷). (رحیم رضازاده ملک، کوشش گر). تهران: انتشارات مازیار و انتشارات معین.
- کهن، گوئل. (۲۰۰۸). *همراه با فرهنگ: گوشه‌ای از تاریخ مؤسسه آلیانس در ایران، خاطرات الیاس اسحقیان*. لس آنجلس: سینا.
- کهن، گوئل. (۲۰۱۰). *بر بال خرد: جامعه یهودیان ایران و هفتاد سال رهبری مذهبی*. لس آنجلس: بنیاد آموزشی حاخام یدیدیا شوفط.
- گروته، هوگو. (۱۳۶۳). *سفرنامه گروته*. (مجید جلیل‌وند، مترجم). تهران: مرکز.
- لوی، حبیب. (۱۳۳۹). *تاریخ یهود ایران*. تهران: کتاب‌فروشی یهودا بروخیم.
- ناطق، هما. (۱۳۸۰). *کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران*. تهران: نشر البرز.
- نتصر، آمنون. (۱۹۹۶). *یادیاوند (پژوهش‌نامه یهود ایران)*. (ج ۱). لس آنجلس: انتشارات مزدا.

مقاله

- ژوزف، ادوارد. (۱۳۶۳). «اندر تلاش سوادآموزی». فصل‌نامه *ره‌آورد*، صص ۱۷۴-۱۸۷.
- میرزایی، مرتضی؛ میرزایی مقدم، داود. (۱۶ مرداد ۱۳۹۵). «میسون، میسیونری و تبلیغ مسیحیت در ایران». دریافت شده از: <https://www.balagh.ir/content/6994>

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran): row number 297017246, 5 pages. [Persian]



Asnād-e Bāygāni-ye Rāked-e Āmuzeš va Parvareš-e Kermānšāh (Stagnant Archives Documents of the Education Office of Kermanshah Province), Puše-ye Ehsāeeye-hā (Statistics Folder), year 1309/1930, Madrese-ye Āliāns (Alliance School). [Persian]

Books

Aubin, Eugene. (1362/1983). "Irān- emruz (1906-1907)" (La perse daujourd hui, Iran, mesopotamie) [Persia Today, Iran, Mesopotamia]. Translated by Ali Asghar Saeedi. Tehran: Zovvār. [Persian]

Cohn, Guel. (2008). "*Hamrāh bā farhang: Guše-ee az tārix-e mo'assese-ye Āliāns dar Irān, xāterāt-e Elyās Eshāqiān*" (Along with culture: A glance at the history of Alliance Institute in Iran, memories of Elyas Eshaghian). Los Angeles: Sinā. [Persian]

Cohn, Guel. (2010). "*Bar bāl-e xerad: Jāme'e-ye yahudiān-e Irān va haftād sāl rahbari-ye mazhab*" (Upon the wings of wisdom: The Jewish community of Iran and seventy years of religious leadership). Los Angeles: Bonyād-e Āmuzeši-ye Hāxām Yedidiā Šofet (Educational Foundation of Hakham Yedidia Shofet). [Persian]

Farid Al-Molk Hamedani, Mohammad Ali. (1354/1975). "*Xāterāt-e Farid*" (Farid's memories). Edited by Masoud Farid. Tehran: Zovvār. [Persian]

Gheirat Kermanshahi, Abd Al-Karim. (1338/1959). "*Kollīāt-e āsār-e seyed Abdolkarim Qeyrat*" (The collection of works by Seyyed Abdulkarim Gheirat). Edited by Mohammad Saeed Gheirat. Tehran: Čāp-xāne-ye Ferdowsi (Ferdowsi Printing House). [Persian]

Grothe, Hugo. (1363/1984). "*Safar-nāme-ye Grothe*" (Grothe's journey journal). Translated by Majid Jalilvand. Tehran: Markaz. [Persian]

Levy, Habib. (1339/1960). "*Tārix-e yahud-e Irān*" (The comprehensive history of the Jews of Iran). Tehran: Ketāb-foruši-ye Yahudā Beroxim (Yahuda Berokhim Bookstore). [Persian]

Nategh, Homa. (1380/2001). "*Kārnāme-ye farhangi-ye farangi dar Irān*" (The evaluation of European culture in Iran). Tehran: Našr-e Alborz (Alborz Publications). [Persian]

Netzer, Amnon. (1996). "*Pādyāvand: Pažuheš-nāme-ye yahud-e Irān*" (Padyavand:

- Judeo-Iranian and Jewish studies series) (vol. 1). Los Angeles: Enteshārāt-e Mazdā (Mazda Publications). [Persian]
- Reza Soltani, Ruhollah. (1377/1998). “*Ketāb-e ābi: Enqelāb-e mašrute-ye Irān be ravāyat-e asnād-e vezārat-e omur-e xāreje-ye Engelīs*” (Blue book: The constitutional revolution of Iran according to British Foreign Ministry documents). Edited by Rahim Reazadeh Malek. Tehran: Enteshārāt-e Māziār va Enteshārāt-e Mo’een (Maziar Publications and Moeen Publications). [Persian]
- Ringer, Monica M. (1381/2002). “*Āmuzeš, dīn, va goftemān-e eslāh-e farhangi dar dorān-e Qājār*” (Education, religion, and the discourse of cultural reform in Qajar Iran). Translated by Mahdi Haghighat-khah. Tehran: Qoqnus (Phoenix). [Persian]
- Sarshar, Homa. (1994). “*Teruā: Yahudiān-e Irāni dar tārix-e mo’āser*” (Terua: The history of contemporary Iranian Jews) (vol. 3). California: Markaz-e Šafāhi-ye Yahudiān-e Irān (Center for Iranian Jewish Oral History). [Persian]
- Sarshar, Homan. (1384/2005). “*Farzandān-e Estēr: Majmu’e maqālātī darbāre-ye tārix va zendegi-ye yahudiān dar Irān*” (Esther’s children: A portrait of Iranian Jews). Translated by Mehrnaz Nasrich. Tehran: Našr-e Kārang. [Persian]
- Soltani, Abd Al-Hosseini. (1305/1926). “*Sāl-nāme-ye edāre-ye ma’āref-e Kermānšāhān*” (The yearbook of the education department of Kermanshah Province). Kermanshah: Matba’e-ye Sa’ādat (Sa’adat Printing House). [Persian]

Articles

- Joseph, Edward. (1363/1984). “*Andar talāš-e savād-āmuzi*” (About the literacy effort). *Fasl-nāme-ye Rahāvard* (Rahavard Persian Journal), 174-187. [Persian]
- Mirzayi, Morteza & Mirzayi Moghaddam, Davoud. (Mordad 16th, 1395/ August 7th, 2016). “*Misiyun, misiyuneri va tabliq-e masihiat dar Irān*” (Mission, missionary and Christian proselytization in Iran). Retrieved from <https://www.balagh.ir/content/6994>. [Persian]

